

معلم و شاگرد

بقلم آقای میرزا حبیب الله خان آموزگار

بطور کلی میان معلم و شاگرد یکی از روابط سه‌گانه ذیل موجود است که نگارنده به نحو اختصار مضار و منافع هر يك را اشاره کرده و بهترین قسم رابطه را خوانندگان این مقاله درك خواهند فرمود

۱ - رابطه بیم - این رابطه که متأسفانه در مکاتب و مدارس ایران خاصه در قسمت ابتدائی عملی و شایع است بدترین رابطه هاست زیرا نتیجه مستقیم این رابطه بیم ایجاد ضعف نفس ، فقدان حس شجاعت ادبی ، عدم فهم دروس بواسطه ترس از سؤال ، نمو نکردن قوه جسارت و جرأت در طفل که برای زندگانی اجتماعی مهمترین صفت است و علاوه بر این مفاسد مادی مفاسد معنوی دیگر نیز تولید میشود که مهمترین آنها دروغ گوئی ، تقلب ، عدم اطاعت صمیمانه است

و نتیجه حتمی مفاسد مذکوره در بزرگی ، خیانت ، دسیسه کاری ، عدم اعتماد بر نفس ، عجز از انجام امور شخصی تا چه رسد بامور اجتماعی ، عدم علاقه بوظیفه ، نداشتن وجدان و اراده قوی و صدها مفاسد دیگر که امروز عملاً مشهود و محسوس است

فقط فائده که برای این قسم رابطه متصور است ، اطاعت صوری طفل و سکوت و خمودی که زائیده ترس بوده و قهراً باعث انتظام موقتی اطاق درس و آرامی اطفال است و بطور قطعی این فائده اندک در مقابل آن مضار بسیار تاب برابری نیاورده و همینکه اطفال وارد کلاسهای پنجم و ششم (و بطریق اشد در کلاسهای متوسطه) شدند بواسطه نمو قوای جسمانی و عقلانی (که بشیطنت و تقلب نزدیکتر است تا بعاقلی)

بنای حرکات نا پسند و نیرنگهای رنگارنگ بر ضد معلم و مدرسه نهاده و تمام هم و خیالشان گرفتن انتقام از معلم و شکستن سد نرسی که بواسطه کثرت انقباض و فشار مستعد برای انبساط و کشایش است می باشند در نتیجه نه تنها درس پیشرفت نکرده بلکه مفاسد اخلاقی دیگر بر آن مترتب میشود که تصریح و توضیح آنها لازم نیست و از نظر اجمالی بحرکات اطفالیکه در کلاسهای ۵ و ۶ بیابا روی این رابطه امزار وقت کرده اند و سلوک آنها با معلمین خود حتی پس از خروج از مدرسه که سالها بانظر بغض و کینه و انتقام بانمعلم نگریسته و رفتار و معامله می کنند بخوبی مشهود می گردد

۲ - رابطه امید - این رابطه اگر چه نسبت باولی کمتر عملی و شایع است مخصوصاً در کلاسهای از سه تا شش ابتدائی که می توان گفت هیچ نیست ولی در کلاس نهمیه و اول و دوم و کلاسهای متوسطه شایع است نهایت در ابتدائی بطور اغفال و گول و فریب در ضمن الفاظ و در متوسطه بطور وعده و تطمیع و تشویق که مفاسد در قسمت ابتدائی باعث ایجاد همان صفات (اغفال و گول و فریب) در اطفال و نمو و رشد تدریجی آنها در بزرگی است ولی مفاسد آن در قسمت متوسطه هرگاه رابطه امید حسن مورد و حسن استعمال داشته باشد خیلی کمتر است بلکه میتوان گفت اگر تشویق بمورد باشد نه تنها مفاسد مهمی (جز افسردگی اطفال ضعیف و کم قوه) ندارد بلکه تولید حس رقابت در محصل نموده و باعث پیشرفت دروس و نمو قوای دماغی او است و ضرر افسردگی اطفال کم قوه و بی هوش هم اگر معلم عالم بفن تعلیم و تربیت بوده و بعلم النفس آشنا باشد نسبت بانها نیز تشویق تدریجی

و متناسب با معلومات و مساعی آنها بعمل می‌آورد تا باعث ازدیاد خمولی و افسردگی نشود با وجود این مفسده عمده که در صورت انحصار این رابطه قطعاً ایجاد میشود همانا اطمینان محصل بان امید و در نتیجه عدم توجه بانجام وظیفه و عدم اطاعت است که باعث عدم پیشرفت دروس و غیبت متوالی و عدم انتظام امور اطاق درس است

۳ - رابطه محبت - این رابطه بمعنی حقیقی خود اگر در مدارس میان معلمین و محصلین ایجاد شود در هر طبقه و هر کلاس باشد دارای نتایج عمده است که از شدت وضوح احتیاج بشرح ندارد نهایت باید در مراتب آن دقت کرد که محبت با اطفال خرد سال و محبت با اطفال ده ساله و دوازده ساله با محبت نسبت بمحصلین طبقات متوسطه از حیث کم و کیف خیلی متفاوت است و عدم استعمال هر کدام از مراتب در مورد خود دارای مفاسدی است که بمراتب اذتالی فاسد دو رابطه بیم و امید بیشتر است بعبارت دیگر باید رابطه محبت جامع میان رابطه بیم و امید باشد زیرا بیم بمورد هم عین محبت است

تشخیص این سه رابطه اولاً مربوط بشخص معلم و در ثانی مربوط بمدير مدرسه و مقتضین است که هر يك بسهم خود مراقبت کرده و همواره اقسام آنرا از يك ديگر ممتاز نموده و موارد عمل را با هر يك از درجات سه گانه تطبيق نمایند و در جلسات شورای معلمین و مواقع امتحانات داخلی نتیجه تجربیات و عملیات خود را بمعرض افکار هیئت ممتحنه و اعضای شوری گذارده و نتایج خوب یا بدی که در اطراف اعمال هر يك از آن سه رابطه نباید مدرسه و محصلین شده - است نصب العین قرارداده و برای اصلاحات آتی در نظر بگیرند